

فهرست همه احادیث شیعه

مقدمه اول: درباره فهرستها و معجم‌المفهرس‌ها

نوع مهم و مخصوصی از کتابها، که خاص مراجعه یا رجوع برای دستیابی به یک اطلاع نسبتاً کوتاه است، کتب مرجع نام دارد، که شامل فرهنگهای لغت یک زبانی و چند زبانی، و دایرةالمعارفها (آنسیکلوپدیاها و سیکلوپدیاها که می‌توان گفت دایرةالمعارف اختصاصی یا تخصصی و تک موضوعی هستند) و فهرستها می‌باشد. فهرستها خود انواعی دارند از جمله فهرست نام کتابها که کتابشناسی نام دارد، و دیگر فهرست موجودی کتابخانه‌ها، فهرست نسخه‌های خطی، فهرست اعلام یا موضوعی که غالباً در پایان کتابهای غیرداستانی، یعنی تحقیقی و علمی می‌آید، و در مورد کتابهای بزرگ چه بسا به صورت مجلد یا مجلدات جداگانه تدوین یابد. نوع نسبتاً جدید از فرهنگهای فهرستواره‌ای یا فهرستهای فرهنگواره همان است که در فرهنگ اروپایی به آن کونکورانس، و در عرف عربی - فارسی قدیم به آن کشاف / کشاف اللغات / کشف الکلمات و در عرف فارسی جدید به آن واژه‌نما می‌گویند که با واژه‌نامه (فرهنگ لغات) نباید اشتباهش کرد. زیرا چنین فهرستی با آنکه فرهنگواره است و واژه‌ها را غالباً با نظم الفبایی دربر دارد، ولی معنای آنها را دربر ندارد، و طبق فایده و هدفش نیازی هم به آن نیست که شرح و معنای واژه‌ها را داشته باشد. اما در عرف عربی جدید برای این واژه‌نامه‌ها یا فهرستواره فرهنگی، و اصطلاح زیبایی المعجم المفهرس را برگزیده‌اند و چنانکه پیداست معنای آن همین فرهنگ فهرستواره‌ای است. یک نوع دیگر از فهرستها و

واژه‌نماها هستند که فرهنگ بسامدی نام دارد. این نوع فرهنگ تعداد کاربرد تمام یا منتخب واژه‌های یک متن را نشان می‌دهد. چنین فرهنگی می‌تواند مندرج در دل واژه‌نما (= کونکور دانش، المعجم المفهرس) باشد و غالباً هم هست و در فهرستها یا واژه‌نماهایی که در این مقاله معرفی می‌شوند، چنین پیوندی بین این دو نوع حاصل شده است.

کونکور دانش Concordance که در انگلیسی و فرانسه به یک معنی و یک املاء به کار می‌رود، لغتاً یعنی وفاسق یا هماهنگی، و اصطلاحاً چنانکه گفته شد یعنی واژه‌نما، یا المعجم المفهرس و تعریف آن بر وفق «دایرةالعارف اطلاع‌رسانی و کتابداری» از این قرار است: «کتاب (مرجمی) که در آن یکایک و تمامی واژه‌های مستعمل در یک متن به نظم الفبایی درج گردیده و به دنبال هر واژه تمام جملات متن اصلی که آن واژه در آنها به کار رفته، با نظمی یا به پای متن اصلی درج و تکرار شده است... نخستین ویژگی کونکور دانش این است که بسیار حجیم‌تر و مفصل‌تر از متن اصلی یعنی متن فهرست شده است. در واقع در بردارنده جملات کامل یا ناقص است که مقدار کل آنها برابر با تعداد کل و مکرر واژه‌های متن اصلی است. اگر هر جمله یک سطر را دربر بگیرد، نهایتاً در یک کونکور دانش سطرهایی برابر با تعداد واژه‌هایی متن اصلی پدیدار خواهد شد. حاصل آنکه علی‌الاصول (از آنجا که هر جمله حدوداً ۷-۹ کلمه است) حجم یک کونکور دانش ۷ تا ۹ برابر بیشتر از متن اصلی است.»

ممکن است این سؤال برای بعضی از خوانندگان پیش آید که فایده کونکور دانش با این حجم کلان (۷-۱ برابر متن اصلی) چیست، و آیا می‌توان از حجم کلان آن کاست، یا آن را به صورت گزینشی و منتخب تدوین کرد؟

سوال اول را بعداً پاسخ می‌دهیم، ولی در پاسخ به سؤال اخیر باید گفت تهیه واژه‌نمای گزینشی اگر حُسن اختصار را داشته باشد، ولی فایده کامل و نهایی ندارد. زیرا فهرست‌نگار یا تدوین‌کننده واژه‌نما اگر بخواهد گزینشی عمل کند، فقط تا حدودی می‌تواند در این کار موفق شد و آن حذف حروف اضافه (و، در، از به، تا، که و نظایر آنها) است، و گرنه از آن به بعد یعنی انتخاب یا گزینش واژه‌های عادی و معنی‌دار کار دشوار و عرصه بر او تنگ می‌گردد، زیرا نمی‌تواند بداند که از نظر محقق (و محققان انواع سلیقه‌ها و نیازهای علمی و تحقیقی را دارند) کدام واژه مهم یا مفید و لازم است، و کدام واژه نیست. لذا یکی به این دلیل، یعنی دخالت ندادن ارزش‌گذاری ذهنی و سلیقه‌ای، و دیگر به این دلیل که واژه‌نما ارزش و فایده فرهنگ بسامدی را هم داشته باشد، در عرف و عالم تحقیق، اصولاً و غالباً واژه‌نماها را کامل تهیه می‌کنند، نه گزینشی و اختصاری. مگر آنکه بخواهند واژه‌نمای خاصی که فی‌المثل در بردارنده کلمات یا مفاهیم کلیدی یک متن باشد تهیه کنند، که در این صورت نام آن «فهرست موضوعی» است و چه بسا در آن، اساس را بر مفهوم و معنی می‌گذارند، نه لفظ. و صورت و معنای آن با کونکور دانش یا واژه‌نماهای کامل را که موضوع بحث ماست فرق دارد.

مقدمه دوم، درباره کتب یا مجموعه‌های معتبر و معیارین (استاندارد) حدیث شیعه

به عنوان مقدمه در مقدمه باید گفت که مجموعه‌های حدیث اهل سنت و اهل تشیع با هم فرق دارد. البته درایت الحدیث و روایت الحدیث اهل سنت و اهل تشیع هم با هم فرق دارد. حدیث [= سنت / اثر خیر] از نظر اهل سنت فقط احادیث نبوی است. آنان برای صحابه (یاران رسول...) (ص...) ارجح و اعتباری بیش از اهل تشیع قائلند و آنان را تالی تلو معصوم، و همگی آنان را عادل می‌دانند. اهل تشیع حدیث را قول و فعل و تقریر (و امضاء) معصوم (چهارده معصوم) می‌دانند. معتبرین و مهمترین مجموعه‌های حدیث اهل سنت ۸ کتاب است که ۶ فقره از آنها به صحاح سته (= صحاح سنت) معروف است که عبارتند از: (۱) صحیح بخاری (۲) صحیح مسلم (۳) سنن ابن ماجه (۴) سنن ابی داوود (۵) جامع / سنن ترمذی (۶) سنن نسائی که به مجتبی هم نامبردار است. و دو اثر معتبر دیگر عبارتند از: (۷) مؤطا (بر وزن مرتب) مالک که زماناً قدیمتر اثر در میان این هشت اثر است. (۸) مسند ابن حنبل که مفصل‌تر از همه این مجموعه‌هاست.

مجموعه‌های معتبر و معیار دین شیعه ۸ اثر است که از آن میان چهار اثر قدمت و اعتبار و اهمیت فوق‌العاده دارد به کتب اربعه معروف است که عبارتند از (۱) اصول کافی (کلینی) (۲) من لایحضره الفقیه (شیخ صدوق / ابن بابویه) (۳) تهذیب (شیخ طوسی) (۴) استبصار (شیخ طوسی). دو اثر مدون در قرن چهارم و دو اثر بعدی مدون در قرن پنجم هجری است. چهار اثر دیگر از مجموعه‌های حدیث شیعه عبارتند از (۵) وافی (ملاحسن فیض) (۶) بحار الانوار (علامه محمدباقر مجلسی) (۷) وسائل الشیعه (شیخ حر عاملی) (۸) مستدرک الوسائل (حاج میرزا حسین نوری) متوفی ۱۳۲۵ ق. به نظر می‌رسد که تساوی تعداد مجموعه‌های معتبر حدیث اهل سنت و شیعه (هر یک ۸ کتاب) اتفاقی است، نه آگاهانه و با طرح و برنامه. گفتنی است که مجموع احادیث ۸ کتاب اهل سنت ۶۷۸۰۰، و احادیث ۸ کتاب شیعه ۲۰۳۰۰۰ فقره است.

در باب اهمیت حدیث در تکوین و توسعه و تکامل و تعالی بخشیدن به فرهنگ اسلامی همین بس که تالی مرتبه قرآن کریم است و نه فقط مهمترین علم نقلی شرعی است، بلکه در علوم عقلی از جمله حکمت، عرفان، اخلاق نیز نفوذ و رسوخ عظیمی دارد. ادله و منابع استنباط احکام در عالم اسلام چهار است: کتاب (قرآن مجید)، سنت (حدیث)، عقل، و اجماع. عملاً دو منبع اخیر برای فهم و شرح و بسط دو منبع نخستین است. می‌توان گفت که غیر از خود محدثان و حدیث‌پژوهان همه عالمان رشته‌های مختلف علوم اسلامی از ادباء، لغویان (فرهنگ نگاران)، نحویان (ستور زبان دانان) علمای بلاغت، شعرا، عرفا، ادب‌پژوهان، عرفان‌پژوهان، منشیان، دبیران، خطیبان، مورخان و بیش از همه فقها، و نیز حکما، علمای اخلاق، متکلمان، مفسران و قرآن‌پژوهان، و حتی عالمان علوم طبیعی از جمله اطباء، منجمان به حدیث و حدیث‌شناسی نیاز و نظر داشته‌اند، شاید فقط منطقیان و ریاضیدانان می‌توانستند علمشان را بدون تکیه به حدیث پیش ببرند.

امیدوارم خوانندگان گرامی از این مجمل، حدیث مفصل بخوانند و بر این مبنا عنایت کنند که تدوین واژه‌نما یا معجم‌المفهرس احادیث و اخبار چه ضرورت و اهمیت طرز اولی برای محققان و اهل علم دارد و همواره خواهد داشت.

در غرب اولین کونکور دانشها طبعاً برای کتاب مقدس (عهدین) تنظیم شده است و سپس برای کلیات آثار شکسپیر و آثار علمی و ادبی دیگر. اما در شرق اسلامی در قرن اخیر دو کوشش بسیار مهم یکی در باره مجموعه‌های حدیث اهل سنت و دیگری که زماناً متأخر است در باره قرآن کریم انجام گرفته است. اولی المعجم‌المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی به همت ونسینک، و دومی که با الهام و کرده‌برداری از اولی تدوین گردیده است، المعجم‌المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، اثر جاودانه و عالمگیر محمد فؤاد عبدالباقی است. در عالم پژوهشهای ایرانشناسی نیز چندین واژه‌نما از متون نظم و نثر ادب فارسی تدوین گردیده است که قدیمترین آنها کونکور دانش شاهنامه اثر فریتس وولف است و جدیدترین آنها واژه‌نمای حافظ، اثر خانم دکتر مهین صدیقیان با دستیاری همسرشان آقای دکتر عابدینی. همچنین یکی از ایرانشناسان و حافظ پژوهان ایتالیا به خانم منگینی نیز کونکور دانشی با خط لاتین از شعر حافظ تدوین کرده است.

برای مجموعه‌های احادیث شیعه در عصر جدید فهرستها و معجم‌المفهرس‌های متعددی (اعم از ملخص و کامل و ناقص) تدوین شده است. همچنین برای تلخیص البلاغه و صحیفه سجاده به نیز چندین فهرست واژه‌نما تنظیم و طبع گردیده است، که در اینجا در مقام به دست دادن کتابشناسی کامل آنها نیستیم. و جای آن دارد که صاحب همتی در صدد تهیه کتابشناسی توصیفی از آنها برآید. ولی در میان همه آنها چشم و چراغی هست به نام سفینه البحار که فهرست و فرهنگواره بسیار خوش انتخاب و خوش تدوینی از بحار الانوار است و خود مؤلف، شادروان حاج شیخ عباس قمی - صاحب منتهی الآمال و مجموعه دعای بسیار معروف و محبوب مفاتیح الجنان - در میان حدوداً شصت اثرش، این اثر را بهتر و برجسته‌تر و به تعبیری سوگلی آثارش می‌شمارد. و در دهه‌های اخیر برای آن مستدرکهای قابل توجهی هم تهیه کرده‌اند. خوشبختانه اخیراً تصحیح و طبع مفتوحی از آن در ۸ مجلد از سوی انتشارات اسوه منتشر گردیده است.

معجم‌المفهرس‌های تمامی احادیث شیعه متشکل از ۷ سلسله کتاب است. علاوه بر کلیه کتاب حدیث، برای مجموعه معتبر و معروفی از کلمات قصار حضرت علی (ع) یعنی غرر و ذور آمدی هم معجم‌المفهرس ساخته شده است که نظر به کوتاه بودن اصل جملات احادیث در کتاب ۶ جلدی غرر ذور (تصحیح مرحوم محدث ارموی، چاپ دانشگاه تهران)، خود این معجم خواننده یا مراجع‌کننده را از مراجعه به متن اصلی یا داشتن آن بی‌نیاز می‌گرداند زیرا جملات به طور کامل انتخاب شده‌اند.

اولین کتاب از سلسله این معجم‌المفهرس‌ها، المعجم‌المفهرس لالفاظ الاصول من الکافی است.

و سلسله جنبان و سرپرست کل این سلسله آقای مهندس علیرضا برازش است که ظرف مدتی کمتر از ده سال، با به همکاری گرفتن یک تیم کاری و کاردان - که تعداد آنان در همکاری با واژه‌نمای بهارالاتوار دقیقاً ۱۳۰ نفر است - و با استفاده بهینه و کارآمد از کامپیوتر فهرستگانی شامل هفت فقره کتاب مجموعاً متشکل از نزدیک به هفتاد جلد را به محققان علوم اسلامی و اسلام‌شناسان و شیعه‌شناسان ایران و جهان اسلام و جهان اسلام‌شناسی عرضه داشته‌اند. کاری به این تفصیل و با این درجه از تحقیق و تدقیق در دهه‌های اخیر در ایران سابقه ندارد، و از نظر پرکاری و کلانی فقط با مجموعه ۲۲۲ جزئی و حدوداً ۴۰ تا ۵۰ جلدی لغت‌نامه دهخدا قابل مقایسه است.

اهمیت و فایده واژه‌نماها

اهمیت هر فهرستی مستقیماً تابع اهمیت متن فهرست شده است. لذا فی‌المثل معجم‌المفهرس الفاظ قرآن کریم که محمد فؤاد عبدالباقی تهیه کرده است حائز کمال اهمیت است. زیرا قرآن کریم مطلقاً مهم‌ترین ارج و ارزش را برای مسلمانان و سپس اسلام‌شناسان دارد. اگر فی‌المثل بر ترجمه عربی ابن مقفع از کلیله و دمنه واژه‌نمای یا معجم‌المفهرسی ساخته شود که از نظر رعایت موازین فهرست‌سازی همانند و هم‌ارزش واژه‌نمای عبدالباقی یا المعجم‌الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم / فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم اثر ارجمند و جدیدالانتشار دکتر محمود روحانی باشد که آن نیز مانند واژه‌نمای عبدالباقی با استقبال وسیعی در جهان اسلام و اسلام‌شناسان مواجه گردیده است، در نهایت هم‌عرض و هم‌ارز آن نخواهد بود. لذا از آنجا که حدیث در جنب قرآن کریم، سنگ بنای تمدن و فرهنگ اسلامی است، اهمیت مفتاح و معاجم رهنمای به آن نیز روشن و آشکار است.

۲) چنین واژه‌نماهایی در درجه اول به کار محدثان و حدیث‌پژوهان می‌آید که عمری با اجادیت و سنن‌ها سرورکار دارند و در دست داشتن واژه‌نماهای لازم برای همه مجموعه‌های حدیث، امری معجزه‌آسا است و در تسهیل و تحول کار آنان اهمیت و ضرورتی وصف‌ناپذیر دارد. فرض کنید حدیث‌پژوه یا حدیث‌پژوهانی می‌خواهند مجموعه‌ای از مشترکات احادیث یا فقط احادیث تفسیری یا فقط «احادیث احکام»، که بین اهل سنت و اهل تشیع مقبول است، فراهم آوردند. در گذشته، یعنی پیش از زمان وضع و تدوین این واژه‌نماها، و نیز معجم‌المفهرس ونسبتک و مفتاح کنوز السنه تقریباً و بلکه تحقیقاً امکان عملی چنین کاری فراهم نبود و فقط به فرض نزدیک به محال که کسی یا کسانی کلیه احادیث مجموعه‌های هشتم‌گانه سنی و هشتم‌گانه شیعی را حفظ باشند این کار آنهم با تردید و تزلزل، نظراً امکان داشت، اما حالا این امر را به کمک کامپیوتر و بانظارت و جرح و تعدیل انسانی، چند روزه و با مراجعه به واژه‌نماهای کتابی دو سه ماهه می‌توان انجام داد. و نظایر این تحقیقات محیرالعقول.

۳) چنانکه اشاره شد حدیث و حدیث‌پژوهی ام‌العلوم اسلامی است و همه علمای رشته‌های

مختلف علوم اسلامی از جمله و بیش از همه فقها نیاز به دستیابی سریع به احادیث دارند. لذا فایده‌رسانی این فهرست ضریبی از وسعت و کثرت نیاز علمای رشته‌های گوناگون پیدا می‌کند. و پس از خود علم حدیث، علم رجال و علم فقه و اصول تحول عظیم پیدا خواهد کرد/ یا می‌تواند پیدا کند.

۴) در باره صرفه‌جویی در وقت محققان نیازی به توضیح نیست.

۵) هم جوینده یک حدیث که فقط کلمه‌ای از کلمات آن را به یاد یا در دست دارد، گم‌شده خود را به سرعت و سهولت باز می‌یابد و هم جوینده‌ای که حتی هیچ کلمه و سرنخی هم از حدیث یا احادیثی در دست ندارد ولی نیازی علمی و تحقیقی دارد. فی‌المثل عرفان‌پژوهی می‌خواهد در باره حدیثی معینی نظیر «کنت کنزاً مخفياً» یا حدیث «قرب نوافل» تحقیق کند. طبعاً با در دست داشتن کلمه‌ای از نص این حدیثها می‌تواند جست و جوی خود را برای دستیابی به متن و سلسله روایت و سایر مختصات این حدیثها با این معجم‌المفهرسه‌ها آغاز کند. اما شق دوم در صورتی است که این عرفان‌پژوه حدیث خاصی را در نظر ندارد و در صدد تحریر مقاله‌ای در باره حب الهی یا عشق است و می‌خواهد بداند که اولاً از کلمات کلیدی یعنی عشق، حب، و کلامیک در احادیث به کار رفته است. ثانیاً اصولاً چه احادیثی در باره این مفهوم (بر پایه این الفاظ) و الفاظ دیگر در مجامیع حدیث یافت می‌شود و یافته‌های او به سرنوشت بحث و تحقیق او اثر می‌گذارد. یا مورخ و تاریخ‌پژوهی می‌خواهد در باره نظام مالکیت زمین یا خاص‌تر از آن فقط اقطاع‌داری، یا مسأله‌ای نظیر مالیات زمین، یا جبایت تحقیق کند. طبعاً در ذیل انواع الفاظ مختلف می‌تواند از طریق این واژه‌نماها به احادیثی از رسول... (ص) و یا بعضی از معصومین علیهم‌السلام دست یابد.

۶) فایده دیگر این واژه‌نماها لفظی - لغوی است و به کار فرهنگ‌نگاران و واژه‌پژوهان می‌آید که با در دست داشتن این واژه‌نماهای چند ده هزار واژه‌ای به کلمات مورد جست و جو (یا غیر مورد جست و جو ولی موردنیاز) دست می‌یابند. وجود ماده خام عظیمی (Corpus) برای کار خود در دست دارند و حسن کار هم در این است که مثالها و نمونه‌ها هم واقعی است و به صدر اول و قرن اول یا قرون اولیه تاریخ تمدن اسلامی باز می‌گردد.

۷) یکی از مهمترین فایده‌رسانیهای این سلسله از واژه‌نماهای حدیث، در مددی است که می‌تواند به تدوین فرهنگ یا فهرست موضوعی حدیث شیعه برساند. بدیهی است که واژه‌نماها / معجم‌المفهرسه‌های حاضر «واژه‌نما» یا لفظ‌نما یعنی نمایانگر لفظ، قطع نظر از مفهوم و معنی، هستند. لفظ حتی لفظ کلیدی، با مفهوم یا موضوع کلیدی فرق دارد. به عنوان مثال کسی که می‌خواهد در باره ایمان مطالعه کند فقط این لفظ را در واژه‌نماهای حاضر می‌یابد. ولی ممکن است از فی‌المثل مؤمن یا «علامت ایمان» یا «تأثیر نیت در ایمان» یا عمل صالح به عنوان تحکیم‌کننده و لازمه ایمان و فرق اسلام و ایمان و انواع توحید ذاتی و افعالی، و دهها موضوع دیگر که هر یک زیر لفظی که حتی به آسانی نمی‌توان حدس زد آمده‌اند، غافل باشد. اما فهرست موضوعی، چنانکه از نامش پیداست

موضوع یاب و موضوع نگر است با قطع نظر از لفظ و تعداد و تنوع الفاظ. ونسینک که معجم المفهرس او از الفاظ احادیث نبوی شهرة آفاق و آغازگر این فن شریف در جهان پژوهشهای اسلام شناسی است، پس از فراغت از فهرست عظیم و ارجمندش نیاز به فهرست موضوعی احادیث را احساس کرد و با همت والایی که داشت آن را تدوین کرد و محمد فزاد عبدالباقی که در سختکوشی و کاردانی دست کمی از ونسینک نداشت، توفیق آن را پیدا کرد که آن مجموعه موضوعی حدیث را تحت عنوان مفتاح کنوز السنّة به عربی در آورد. یا بیشترها کاشف استاد مصطفوی را داشتیم و نیز معجم المفهرس مربوط به الفاظ نهج البلاغه را (تدوین آقایان محمدی و دشتی). این دو لفظیاب بودند، لذا جا داشت که صاحب همتی چون حجة الاسلام معادینخواه در مقام تدوین فرهنگ موضوعی و طبقه بندی مفاهیم نهج البلاغه برآید، و برآمد و حاصل آن اثر ده جلدی نفیس و گرانقدری به نام فرهنگ آفتاب است.

آری به مدد این سلسله از واژه‌نماها می‌توان فهرست موضوعی احادیث شیعه را در حداکثر ۳-۴ جلد فراهم کرد که یکی از مهمترین کمبودهای فرهنگی مسلمانان و اسلام شناسان ایران و جهان است. در عین حال از این نکته مهم نباید غافل بود که همین واژه‌نما یا معجم المفهرسهای حاضر کمابیش و تا حدودی معین، نقش و وظیفه فهرست موضوعی را هم انجام می‌دهد. چنانکه فی‌المثل معجم المفهرس عبدالباقی و فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم هم با آنکه واژه‌نما و لفظ‌نما هستند، ولی از نظر موضوع یا بی هم کما بیش مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۸) فایده دیگر برای مصححان و احیاگران متون خطی است. این سلسله واژه‌نماها از ابزارهای کار تحقیق آنان است که در دو مورد مشخص به آنان مدد می‌رساند. ۱) برای واریسی (چک کردن) صحت ضبط احادیث که در اغلب متون ادبی و مربوط به علوم انسانی و اسلامی فراوان است، و نیز برای تنظیم فهرست احادیث هر کتاب. دیگر برای درست خوانی کلمه‌های غریب و دشوار بخوان که ممکن است از فرهنگها فوت شده باشد. در یک کلام و بدون تفصیل بیشتر می‌توان گفت توجه به این و استفاده از این معجم المفهرسها چهره امروز و فردای تحقیقات اسلامی و علوم انسانی را در ایران و جهان اسلام و اسلام شناسی متحول می‌گرداند.

در باره مجموعه حاضر

مجموعه این واژه‌نماها / معجم المفهرسها، چنانکه پیشتر هم اشاره شد، ۷ دوره در مجموعاً قریب به ۷۰ جلد یا جزء است به شرح ذیل که به ترتیب تاریخ انتشار به آنها اشاره می‌کنیم.

۱. المعجم المفهرس لالفاظ احادیث اصول من الکافی، ۲ جلد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۷.

۲. المعجم المفهرس لالفاظ احادیث غرر الحکم و درر الکلم، ۳ جلد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.

۳. المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار، ۳۰ جلد، تهران، سازمان چاپ و انتشارات

۴. المعجم المفهرس لالفاظ احاديث الکتب الاربعه، ۱۰ جلد، تهران، احیاء کتاب، ۱۳۷۳.
۵. المعجم المفهرس لالفاظ احاديث مستدرک الوسائل، ۶ جلد، قم، انصاریان، ۱۳۷۳.
۶. المعجم المفهرس لالفاظ احاديث وسائل الشیعه، ۷ جلد، تهران، جلوه پاک، ۱۳۷۴.
۷. المعجم المفهرس لالفاظ احاديث الوافی. احتمالاً ۷ جلد، (در دست اقدام، و نزدیک به

انتشار)

توضیحاً باید گفت کتاب اول که مربوط به اصول کافی است بعداً در کتاب چهارم که مربوط به کتب اربعه است از نو مندرج گردیده است. دیگر آنکه واژه‌نمای وافی هنوز منتشر نشده است و تعداد مجلدات از روی حدس است. سوم آنکه چنانکه اشاره شد کتاب دوم که مربوط به غرر و درر است، جزو هشت کتاب معیارین حدیث شیعه نیست.

در مقدمه سرپرست یا ویراستار کل سلسله، اطلاعات و توضیحات و راهنماییها و نیز گزارش کوتاه و پراطلاعی در باره نحوه آماده‌سازی و تدوین و تولید این واژه‌نماها آمده است. از جمله در باره مراحل تهیه معجم المفهرس مربوط به کتب اربعه مراحل هشتمانه زیر را یاد کرده است: (۱) مشخص کردن محدوده کلام معصوم از سند، کلام مؤلف و غیر آن (۲) مشخص کردن کلماتی که باید معجم (یا فهرست) شوند و جدا کردن آنها از موصولات و غیره (۳) ورود اطلاعات خام در کامپیوتر (۴) ورود علائم خاصی برای تعویض سطر، تعویض صفحه، تعویض حدیث، تحویل کلام از حدیث به سند، قول مؤلف، تیترا ابواب و غیره (۵) به دست دادن ریشه یکایک لغات (چنانکه در جای دیگر از همین مقدمه در اشاره به همین موضوع آمده است، که «برای نزدیک به یک میلیون لغات به کار رفته است در کتب اربعه، تک تک ریشه‌ها مشخص شده است») (۶) انتخاب جملات مفید معنی (و یصح علیه‌السکوت) برای یکایک لغات (۷) مرتب کردن جملات همراه با لغت و ریشه و نشانی بر مبانی موردنظر (۸) بازبینی‌های نهایی برای احراز درستی نشانیها، صحت انتخاب لغات حدیث، سند، قول مؤلف، صحت ریشه کلمات (ص ۲۲ و ۲۳ مقدمه المعجم المفهرس لالفاظ احاديث الکتب الاربعه).

در مقدمه همین واژه‌نما و نیز در مقدمه واژه‌نمای بحار الانوار ویژگیهای عمده این معاجم را چنین آورده‌اند: (۱) جامعیت یعنی درج کلیه اسامی و افعال (منهای حروف) و نشانی دادن به جلد و صفحه و سطر مربوط به هر حدیث در متون یعنی مجامع اصلی (۲) فهرست بسامدی که تعداد کاربرد هر لغت در جنب مدخل اصلی یاد شده است (۳) صحت متن معجم و تصحیح متون اصلی یعنی متونی که فهرست شده است. به این آمار و ارقام توجه کنید تا تصویری از پهنای کار پیدا کنید. در واژه‌نمای مربوط به بحار الانوار بیش از پانزده میلیون لغت و ۲۹۸۸۵۰۶ جمله و ۹ میلیون عدد به کار رفته است (۴) عدم اعراب‌گذاری (برای آنکه امکان دو یا چند اقرات از یک کلمه محفوظ باشد و نیز به خاطر آنکه اعراب‌گذاری در چنین متن مفصلی که جنبه رابطی و ابزاری دارد لازم نیست، از طرف

دیگر از نظر علمی اعراب‌گذاری دشوار است، و از سوی دیگر طبعاً در چنین واژه‌نامه‌های مفصل و حجمی صدها و هزاران غلط مربوط به اعراب پیش می‌آید و دلایل دیگر (۵) ارجاعات متعدد ریشه‌ای (در هر محل که احتمال ناچیزی هم برای مراجعه محقق می‌رود، از صورت ظاهری به صورت ماده‌ای و ماده ارجاع داده شده است با استفاده از کلمه انظر (= نگاه کنید به) و در همین بند تصریح شده است که (مهمترین و جامعترین قاموس لغت عرب) لسان‌العرب برای ریشه‌یابی لغات این واژه‌نامه‌ها اساس قرار گرفته است (۶) دسترسی یعنی در دسترس قرار دادن مواد لازم برای یک دوره کامل عقاید، فقه، تاریخ، سیر، تفسیر و سایر علوم نقلی و عقلی اسلامی (۷) استفاده از ابزار کامپیوتر (که بدون آن تهیه فی‌المثل واژه‌نامه‌ی سی جلدی (قطع رحلی، سه ستونی، هر ستون ۴۶ سطر) بحار‌الانوار با همین امکانات و عذة و عذة کمابیش ۱۵ سال به طول می‌انجامید و همچنین سایر واژه‌نامه‌های این سلسله و کل طرح در کمتر از ۲۰-۲۵ سال قابل اجرا نبود) (۸) موارد حذف که عبارتند از الف) حروف، ضمائر، مرصولات، اسماء اشاره و ظروف ب) بعضی از افعال ناقصه ج) مشتقات «قول» در محاورات د) سلسله روایات ه) مشتقات حدیث، سمع و... در محل پیوند سند با حدیث و) عبارات دعائی نظیر جل جلاله، سبحانه و تعالی، صلی... علیه و آله و سلم، علیه‌السلام، جعلت فداک، بابی انت و امی، و نیز بسیاری از ظروف زمانی و مکانی و چهار مورد دیگر (۹) معرفی چاپهای مختلف متون مبنا و مبنای قرار دادن معتبرترین و متداولترین آنها و معرفی مسوط هر یک در مقدمه (مقدمه سرپرست بر المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار‌الانوار، ص ۳۱، ص ۳۵).

همچنین در باره نحوه درج و ترتیب لغات یا الفاظ در این واژه‌نامه‌ها در مقدمه هر یک توضیح کوتاهی آمده است. گفته شده است «پایه و اساس جداسازی لغات بر مبنای الفبای ریشه و اصل لغت بوده است، در نتیجه محقق کلیه اشتقاقیات یک ماده را در کنار یکدیگر مشاهده خواهد نمود... در داخل یک ریشه، برای چیدن اشتقاقیات مختلف، به صورت ظاهر (= صیغه به کار رفته) کلمه توجه شده است و برای هر یک مدخلی جداگانه در نظر گرفته شده است و بسامد این شکل در مقابل هر مدخل نمایش داده شده است. فی‌المثل کلیه اشتقاقیات ماده «شکر» در یک جا گرد آمده‌اند، لکن در همین ماده «اشکر» جلوتر از «بشکر» و این کلمه جلوتر از «مشکور» قرار گرفته است، و از حروف زائد کلمه همچون «اله»، «ف» و... نیز در این ترتیب چشم‌پوشی نشده است، فلذا بین «الشکر» (یعنی کلمه در حالتی که الف و لام دارد) و «شکر» (یعنی کلمه در حالتی که اضافه به کلمه قبل و بعد شده است، یا تنوین دارد) تمیز قائل شده و بسته به ترتیب حروف اول، هر کدام در جایگاه خود قرار گرفته است (مقدمه معجم بحار ص ۳۵-۳۶). به نظر می‌رسد که در اینجا یک مانع و مشکل و مشکل ماشینی یعنی مربوط به کامپیوتر در کار بوده است که در این حد و مرحله از پیشرفت فنی، غلبه‌ناپذیر مانده است و آن این بوده است که کامپیوتر بین کلمه الف و لام داز و همان کلمه در حالتی که اضافه یا تنوین دارد، یعنی الف و لام ندارد، فرق می‌گذاشته است و محققان و مراجعه کنندگان به این سلسله واژه‌نامه‌ها باید این نکته بسیار مهم را در نظر داشته باشند که اگر فی‌المثل به کلمه «بشاره» مراجعه

می‌کنند، «البشارة» و «بالبشارة» و صورتهای محتمل دیگر را که جای الفبایی و درج آنها در این واژه‌نامه‌ها گاه چند و چندین صفحه فرق دارد، نباید از نظر دور بدارند. تنها مشکلی که از رهگذر ماشین‌نویسی کردن این طرح به نظر راقم این سطور رسید همین است که معروض شد.

□

بر کل معجم‌المفهرسهایی که در این سلسله منتشر شده است و فقط معجم مربوط به وافی هنوز انتشار نیافته و شاید ان شاء... تا پایان سال جاری منتشر شود و سلسله را کامل سازد، نقد و نظرهایی نوشته شده است که از آن میان به دو نقد که یکی در کیهان فرهنگی و دیگری در آینه پژوهش نوشته شده است اشاره می‌کنیم. آقای یعقوب علی برجی در نقد کوتاه و همدلانه خودش فقط بر معجم بحار الانوار نوشته است به اهمیت و محاسن و فایده این واژه‌نامه به درستی اشاره کرده است ولی از حجم کلان اثر اظهار ناخشنودی کرده است: «مشاهده می‌شود با تکرار بیش از حد واژه‌ها حجم معجم را بالا برده‌اند. زیرا نزدیک به سه میلیون کلمه در کتاب بحار الانوار به کار رفته است ولیکن در این معجم بیش از ۹ میلیون عدد، و فراتر از پانزده میلیون لغت به کار رفته است» (کیهان فرهنگی، سال یازدهم، شماره ۹ و ۱۰، آذر - دیماه ۱۳۷۳، ص ۴۷). اگر خوانندگان گرامی، نقلی را که در اوایل این مقاله از «دایرةالمعارف اطلاع‌رسانی و کتابداری» آوردیم به یاد داشته باشند، خواهند دید که این ایراد وارد نیست. زیرا در آنجا آمده بود که چون در واژه‌نامه باید برای هر کلمه یک جمله آورد و چون یک جمله حدوداً بین ۷ تا ۹ کلمه است، لذا قابل انتظار و چاره‌ناپذیر است که حجم واژه‌نامه‌ای یک اثر ۷ تا ۹ برابر متن اصلی آن باشد، حال آنکه طبق برآورد راقم این سطور یکی از مهمترین نشانه‌های صحت و دقت تدوین و تولید معجم بحار و سایر معجمهای این سلسله گزاف نبودن و بیجا نبودن حجم آنهاست. معجم بحار الانوار حتی یک برابر کامل خود بحار الانوار هم نیست، تا چه رسد به اینکه از نظر قاعده و قانون تدوین واژه‌نامه‌ها حق دارد ۷ تا ۹ برابر متن اصلی باشد. پیداست که آقای برازش و دست‌اندرکاران تدوین این واژه‌نامه‌ها هیچ اسراف‌ی را در حجم کار روا ندانسته‌اند و عملاً از هر صرفه‌جویی ممکن - که در عین حال باعث کاهش کارایی اثر نشود - استفاده برده‌اند و در صفحات پیشین مقاله حاضر به موارد حذف‌هایی که اعمال کرده‌اند و بسیار درست و سنجیده بوده است، اشاره کرده‌ایم.

اما نقد دوم هم عالمانه‌تر است، و هم ناهمدلانه‌تر، و مواردی از اشکالات و اشتباهات معجم بحار الانوار را بر می‌شمارد.

یک فقره از ایرادات نویسنده این نقد به بازشناسی ریشه درست کلمات مربوط است. از جمله ایراد گرفته‌اند که کلمه «الاتاوة» در جمله «فاخذ منك الاتاوة را مادة (اتی) دانسته‌اند، حال آنکه ماده «ات» و صحیح است. همچنین کلمه «آداکم» در جمله «اقر بکم غداً منی... آداکم للامانة، ذیل ماده «ادو» آمده است که صورت صحیحش در «ادی» است.

در پاسخ به این ایراد، که نمونه‌های متعددی از آن در نقد آینه پژوهش آمده است، باید گفت این

مشکل، جدی‌ترین مشکل در فرهنگ نویسی یا فهرست‌سازی عربی از بیش از ده قرن پیش تاکنون بوده است، و رفع آن و به حد صفر رساندن آن در کارهای کلانی از این دست، اگر هم نظراً ممکن باشد، عملاً بس دشوار است و احتیاج به همکاری و مشاوره ادبا و ادب‌پژوهان و فرهنگ‌نگاران زبده و کاردانی دارد که هم در جامعه ما اندک شمارند و هم جلب همکاریشان برای این‌گونه کارها، آسان نیست. همکاران آقای برازش برای بازشناسی ریشه‌ها از یکی از معتبرترین (و بلکه معتبرترین) فرهنگ‌های عربی کمک گرفته‌اند، یعنی از لسان العرب ابن منظور. در این منبع الاتاوة ذیل «اتی» آمده است و کلمه (آداکم) ذیل ماده (ادو). فرض می‌کنیم در این موارد و موارد مشابه دیگر اشتباه از لسان العرب باشد، ولی همکاران آقای برازش که در انتخاب لسان العرب به عنوان مرجع و اساس کار درست عمل کرده‌اند، و در عربیت بعید است در مقامی باشند که بتوانند اشتباهات ماده‌شناسی ابن منظور افریقی صاحب لسان العرب را برطرف کنند.

باری بعضی از ایرادهای ناقد آینه پژوهش نیز وارد است. از جمله درباره‌ی جای درست مؤبدو دارابجرد. و بعضی وارد نیست مانند اینکه چرا تشریح ذیل «تش ری» آمده است ولی «شعبان» ذیل «شعب». دلیلش این است که اولی نامی غیر عربی (و شاید لاتینی یا عبری) است، و دومی عربی. لذا دومی را در ریشه شعب وارد کرده‌اند. همچنین بحث مفصل و مهمی در باره نبودن اعراب در معجمهای این سلسله کرده‌اند و گفته‌اند که فی‌المثل تمیز بین خَلق و خُلُق در این معجمها دشوار است و باید بر سر این‌گونه کلمات حرکت یا اعراب می‌آمد.

۴۱۰

البته دلایل و فواید نیامدن اعراب در این‌گونه آثار بسیار است و شمه‌ای از آنها را در صفحات پیشین برشمردیم. شاید امر بین الامرین بهتر باشد، و آن اعراب‌گذاری گزینشی و توأم با دقت و صرفه‌جویی است. یک ایراد دیگر هم در باره کلمات غیر کلیدی گرفته‌اند که درست است و گفته‌اند حق بود که کلیه ظروف زمانی و مکانی حذف می‌شد تا ۱۵۴۱ بار کلمه تحت در جلد ۵ و ۱۰۳۴ بار کلمه فوق در جلد ۲۲ درج نمی‌گردید. آقای برازش و همکارانشان ظروف را جزو موارد مخدوف یاد کرده‌اند، گویا این دو مورد، اشتباه‌راه یافته باشد. ولی حتی همین مورد اشتباهی به کلی بی‌فایده نیست. و اگر هم کلیه حروف و ظروف در این واژه‌نماها راه پیدا می‌کرد از نظر اصول تدوین واژه‌نماها، نادرست نبود. همین است که می‌بینیم پس از انتشار معجم المفهرس الفاظ قرآن کریم که به همت والای شادروان محمد فؤاد عبدالباقی تدوین شده بود، صاحب‌نظران بلندمندی چون دکتر اسماعیل احمد عمایرة و دکتر عبدالحمید مصطفی السید در مقام استدارک و تدارک کمبودهای معجم عبدالباقی برآمده و معجم الادوات و الضمائر فی القرآن الکریم را که حجمش از معجم اول هم کلان‌تر است، به عالم تحقیقات قرآن پژوهی و زبان‌شناسی و غیره عرضه داشته‌اند. حاصل آنکه اگر شبهه را قوی بگیریم و همه ایرادات آقای عبدا... ابراهیمی، ناقد آینه پژوهش را (آینه پژوهش، سال پنجم، شماره چهارم - آذر، دی ۱۳۷۳، صفحات ۸ تا ۱۶) درست و دقیق و بی‌خدشه بدانیم، به این نتیجه می‌رسیم که کمتر از یک درصد خطایا اشتباه در معجمهای حدیث شیعہ راه یافته است، که

در کاری به این ابعاد و عظمت در صدی ناپیچ است. معروف است که شادروان علامه قزوینی وقتی از همت بستن دوست کار دانش شادروان علامه دهخدا، برای تدوین لغت نامه فارسی آگاه شد، و از گوشه و کنار شنید، یا خود اجتهاداً دید که کژیها و کاستیهایی در آن کار سترگ دیده می شود از سر تحقیق و تجربه گفت اگر در این کار ده هزار غلط دیده شود، معفو (بخشوده) است.

حالا حکایت همین کار سترگ معجم المفسرهای احادیث شیعه است، که فصل جدیدی را در تدوین کتب مرجع و تسهیل تحقیقات اسلام شناسان و شیعه پژوهان رقم زده است، و از وجدان و انصاف علمی و اخلاقی به دور است که نقد آینه پژوهش این آثار (و البته فقط معجم بحار) را «اهتمامی کم اهمیت» نام برده است و هیچ حُسنی در آن ندیده یا برنشمرده است، و از آنجا که نویسنده این نقد و بعضی از دست اندرکاران نشریه آینه پژوهش در عین حال همکاران طرح تدوین معجم المفسر دیگر برای بحار الانوار هستند که آن نیز المعجم المفسر لالفاظ احادیث بحار الانوار، نام دارد (و ناشر آن مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم است) لذا این شبهه برای بی طرفان پیش می آید که این نقد از روی رقابت نوشته شده است؛ زانکه القاص لایحب القاص. از معجم بحاری که این دوستان دست اندرکار آن هستند تاکنون در مدتی بیش از ده سال که از آغاز این طرح می گذرد ۴ مجلد منتشر شده است، و آن نیز اثری ارزنده است، و جلد اول آن مقدمه پربار مفصلی دارد در بیش از یکصد صفحه. اما معلوم نیست که کلیه مجلدات آن که احتمالاً ده - دوازده جلد کلان خواهد شد، تا چند سال دیگر تکمیل و منتشر می گردد.

عمده مجلدات معجم المفسرهای احادیث شیعه در واحد معجم نگاری مؤسسه تحقیقاتی و اطلاع رسانی خانه کتاب ایران که از نهادهای تابعه معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، تدوین و در سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد به طبع رسیده است و چون غالباً از تسهیلات حمایتی دولتی برخوردار بوده است، مواد و مصالح چاپی آنها مرغوب و قیمت آنها نیز ارزان است. دعای اهل تحقیق که گره مشکلات خود را با این مفاتیح مشکل گشا می گشایند، بهترین پاداش دست اندرکاران کار دان و سخت کوش «فهرست همه احادیث شیعه» خواهد بود.